سرمقاله

تقویت جایگاه اصناف در اقتصاد



عاطفه خسروی
مدیرمسئول

اصناف بزرگ‌ترین بخش اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهند که بعد از نفت، بالاترین نقش و جایگاه را در تامین مالی اقتصاد ایران دارند. اصناف در ظاهر به کسب‌وکار مردم گره خورده و با محل معاش آنها در ارتباط است. برخی نیز اصناف را بزرگ‌ترین نهاد مدنی می‌دانند که تعریف هر نوع جایگاه برای آنها در سرنوشت جامعه تاثیرگذار است، اما برای بررسی نقش و جایگاه اصناف در جامعه، این بخش را باید از ۲ منظر «اقتصادی» و «سیاسی» موردمطالعه قرار داد.

در جوامع توسعه‌یافته، اصناف و تشکل‌ها به‌دلیل قدرت اجرایی و تعداد جمعیت تحت‌پوشش، نقش تاثیرگذاری در تصمیم‌سازی‌ها دارند؛ روندی که در ایران چندان مصداق ندارد و گاهی نگاه و درخواست اصناف در تصمیم‌گیری‌های کلان در نظر گرفته نمی‌شود.

برخی فعالان این حوزه، مشکل را در نگاه مدیران دولتی به تقویت بخش اقتصاد از طریق تقویت بنگاه‌های بزرگ می‌دانند و در این دیدگاه SMEها یا کارگاه‌های کوچک و متوسط‌مقیاس جای چندانی ندارند. این نگاه بیشتر ناظر بر بخش دولت است، اما همواره مشکلاتی نیز در مدیریت اصناف نیز وجود داشته است که گاهی به ضعف مدیریت اصناف در چند دهه گذشته بازمی‌گردد. برخی واگذاری وظایف حاکمیتی مانند بازرسی و صدور پروانه به اصناف را از جمله این مشکلات مدیریتی می‌دانند و معتقدند در نگاه اول به‌نظر می‌رسد، دادن اختیارات نظارتی به اصناف به‌نفع آنها است، اما در عمل همین موضوع باعث تضعیف ساختار اصناف شده است. این وظایف محوله به اصناف، آنها را از خصوصی بودن خارج کرده و بیشتر رنگ و بوی دولتی گرفته‌اند. در این فرآیند واحدهای صنفی، القاکننده برنامه‌های حاکمیتی شدند و این اتکا در انتخابات اصناف نیز تاثیرگذار شد.

از سوی دیگر، گاهی افرادی که در مدیریت اصناف و اتحادیه‌های صنفی قرار می‌گرفتند، به‌دنبال ماندگاری طولانی بودند. برای ماندگاری طولانی نیز به‌طبع یک راه منطقی همکاری با دولت است، در حالی که اصناف به‌عنوان تشکل‌های کاملا خصوصی باید دارای ساختار و عملکرد منفک از نگاه و تاثیرگذاری دولتی باشند.

با این‌همه نمی‌توان از نقش بی‌بدیل اصناف در اقتصاد ایران گذشت، زیرا باتوجه به جمعیت تحت‌پوشش، در بعد سیاسی نیز دارای جایگاه تاثیرگذاری هستند.

با بیان چند آمار، شناخت بهتری از ظرفیت‌های اصناف به‌دست می‌آید:

ـ براساس آمار، نظام صنفی ایران حدود ۳ میلیون بنگاه اقتصادی خرد، کوچک و متوسط را در برمی‌گیرد و طبق برآوردهای حداقلی، ۲۵درصد از اشتغال کل و ۱۷درصد از GDP کشور را ایجاد کرده و با احتساب بعد خانوار، ممرمعاش و ارتزاق ۳۰ درصد از جمعیت کشور است.

ـ تمامی شاخص‌های اقتصاد کلان، چه در طرف عرضه و چه در سمت تقاضا، همگی وابستگی مستقیم به وضعیت اقتصادی جامعه صنفی اعم از کارفرمایان، کارگران، خانوارهای صنفی و.... دارند. در واقع، کمتر بخشی را می‌توان در اقتصاد ایران شناسایی کرد که دارای اثر همزمان بر طرفین عرضه و تقاضا، آن هم با این عمق اثرگذاری باشد.

ـ ۹۸ درصد بنگاه‌های ایران در سطح کوچک و متوسط هستند و بنا به آنچه در منابع مختلف درباره تعریف SMEs ذکر شده، عمده‌ترین سهم از بنگاه‌های خرد و کوچک و متوسط در ایران متعلق به اصناف است.

ـ بیش از ۷۰ درصد کالای وارداتی و ۹۰ درصد محصولات صنایع بزرگ کشور از طریق شبکه عمده‌فروشی و خرده‌فروشی اصناف توزیع می‌شود.

ـ از کل ارزش‌افزوده بخش بازرگانی حدود ۹۸درصد آن توسط اصناف تامین می‌شود.

ـ اصناف کشور نقش موثر و زیربنایی در رسیدن کشور به «رشد اقتصادی فقرزدا» و «کاهش ضریب جینی» دارند و تعداد قابل‌توجهی از اصناف به‌ویژه اصناف تولیدی در زنجیره تامین نیازهای واحدهای صنعتی و برخی واحدهای صنفی دیگر قرار دارند که کارکرد نامناسب آنها می‌تواند زنجیره‌های تامین را دچار اختلال کند.

باوجود آمار یادشده و به‌دلیل مشکلات آمده در ابتدای این نوشتار، اصناف ایران فاصله معناداری با استانداردهای جهانی به‌لحاظ تعداد و تاثیرگذاری در تصمیم‌سازی‌ها دارند. براساس آمار، به‌ازای هر ۷ خانوار ایرانی یک بنگاه صنفی وجود دارد، در شرایطی که براساس استانداردهای جهانی به‌ازای ۳۷ تا ۴۲ خانوار یک بنگاه صنفی وجود دارد. از این منظر، انتقادهای زیادی به وضعیت رشد قارچ‌گونه واحدهای صنفی در کشور مطرح می‌شود.

بنابراین شاید یکی از راه‌های دستیابی به این ساختار، تغییر قانون اتاق اصناف باشد. همچنین، اصلاح قانون نظام صنفی نیز از دیگر مواردی است که باید در دستور کار قرار گیرد. توجه به واحدهای کوچک‌مقیاس و تقویت حوزه آموزشی اصناف نیز از دیگر راهکارهایی است که می‌تواند اصناف را در این مسیر یاری رساند.

اصناف بازیگران بی‌ادعای اقتصاد

تامین امنیت غذایی و نقش اصناف در این زمینه، از موضوعات مهمی است که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق است. اصناف به‌عنوان حلقه واسط بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، نقش بسزایی در زنجیره تامین مواد غذایی دارند و می‌توانند در ارتقای امنیت غذایی کشور موثر باشند.

طبق تعریف سازمان سازمان غذا و کشاورزی ملل‌متحد (فائو)، امنیت غذایی به‌معنای اطمینان از دسترسی فیزیکی ـ اقتصادی پایدار همه افراد جامعه به غذای کافی، مغذی و سالم در تمامی اوقات برای داشتن فعالیت و زندگی سالم است. امنیت غذایی را بی‌تردید می‌توان شالوده امنیت ملی به‌شمار آورد و تضمین امنیت ملی نیز یکی از اصلی‌ترین اهداف حاکمیت‌های سیاسی محسوب می‌شود، از این‌رو تلاش کشورهای جهان عمدتا بر این مبنا بوده و هست که سهم قابل‌قبولی از غذای موردنیاز جوامع خود را با اتکا بر تولیدات داخلی تامین کرده و به‌این‌ترتیب امنیت غذایی آنها را تضمین کنند. براساس آمار، بیش از ۳ میلیون واحد صنفی در زمینه‌های گوناگون تولیدی، توزیعی، خدماتی و خدمات فنی در طیف وسیعی از فعالیت‌ها در زنجیره تامین فعالیت می‌کنند؛ بنابراین می‌توان گفت اصناف بزرگ‌ترین بخش اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهند و بعد از نفت، بالاترین نقش و جایگاه را در تامین مالی اقتصاد ایران و تامین امنیت غذایی دارند. از سوی دیگر، اصناف گرچه در ظاهر به کسب‌وکار مردم گره خورده و با محل معاش آنها در ارتباط است، اما برخی آن را بزرگ‌ترین نهاد مدنی می‌دانند که اداره آن به‌دست خود مردم است و بدون شک نتایج آن در سرنوشت مردم و جامعه نیز تاثیرگذار خواهد بود. واحدهای صنفی حلقه واسط بین تولیدکنندگان (واردکنندگان) و مصرف‌کنندگان به‌شمار می‌روند. آنها با انتقال کالا از تولیدکنندگان (با صرف هزینه و زمان کمتر همواره با رعایت استانداردهای سلامت کالا) به مصرف‌کنندگان و در مقابل آن، انتقال منابع نقدینگی از مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان، به بخشی از چرخه اقتصاد کشور شکل می‌دهند. گرچه این‌گونه واحدها در کشورهای مختلف از نظر کارکرد و حتی شکل ظاهری متفاوت هستند، اما به‌طورکلی از وظایف یکسانی برخوردار هستند. در اقتصاد ایران اصناف به‌عنوان آخرین حلقه اقتصادی اهمیت ویژه‌ای در رشد و پویایی این بخش داشتند و به‌دلیل گستردگی ارتباط مستقیم با آحاد مردم به‌مثابه قلب اقتصادی جامعه عمل می‌کنند.

در تقویم رسمی ایران اول تیر «روز ملی اصناف» نام‌گذاری شده و صمت در پرونده این شماره به همین مناسبت به بررسی جایگاه این بخش مهم در اقتصاد ایران و مشکلات فعالان صنفی پرداخته است. با این پرونده صمت همراه باشید.

ردپای اصناف در تحولات اقتصادی

اصناف مجموعه‌ای از تشکل‌های اجتماعی و سیاسی هستند که ردپای آنها از زمان انقلاب مشروطه و حتی قبل از آن در حوادث متعدد دیده می‌شود و این فعالیت اجتماعی ـ سیاسی در سال‌های پیروز انقلاب اسلامی به‌اوج می‌رسد.

امروزه به هر نقطه‌ای از شهر که پا می‌گذاریم، با انواع مغازه‌های کوچک و بزرگ و فروشگاه‌های زنجیره‌ای و حتی بانک‌ها و صرافی‌ها روبه‌رو می‌شویم. رشد و گسترش سریع واحدهای صنفی در جای‌جای نقاط شهری و حتی روستایی کشور، پدیده‌ای اقتصادی ـ اجتماعی است؛ ضمن اینکه اصناف در کنار اثرات اقتصادی از نقش و جایگاه اجتماعی ـ فرهنگی هم برخوردار هستند و می‌توانند در صورت فراهم بودن بسترهای لازم اثرات مثبتی بر جامعه داشته باشند. البته این نقش در همه دوره‌ها یکسان نبوده است و این گروه به‌ویژه با شروع اصلاحات ارضی و رشد شتابان شهرنشینی نقش پررنگ‌تری ایفا کرده‌اند.

بااین‌همه، این گروه از فعالان اقتصادی باوجود نقش برجسته در تحولات اجتماعی و سهم قابل‌توجه در اقتصاد و اشتغال همواره به‌دلیل برخی سیاست‌گذاری‌های نادرست با آسیب‌هایی مواجه بوده‌اند.



عکس: خانه ملت

مشکلات جدی اصناف در یک نگاه

چالش‌های بسیاری پیش‌روی اصناف کشور وجود دارد؛ هم اصنافی که در واحدهای فنی و تولیدی کار می‌کنند و هم اصنافی که در حوزه توزیع فعال هستند؛ از معضل قاچاق کالا گرفته تا مشکلات صنفی و قانونی، اما می‌توان به محدودیت‌هایی به‌عنوان عمده‌ترین چالش‌های پیش‌رو در صنف‌های مختلف اشاره کرد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت هستند از محدودیت‌های مندرج در قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی کار تامین اجتماعی و مالیات، نوسانات شدید و افزایشی نرخ مواد اولیه، افزایش مستمر هزینه‌های تولید، کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش و نبود حمایت‌های مرتبط با نظام بانکی کشور، ناتوانی در دست یافتن به فناوری مدرن، مشکلات موجود در حوزه برندسازی، کیفیت پایین محصولات تولید داخل و ترجیح مصرف‌کنندگان برای استفاده از محصولات خارجی، ضعف در سیستم‌های بازاریابی واحدهای تولیدی و تجاری صنفی، روند رو به افزایش قاچاق محصولات مشابه تولیدات اصناف، نبود برنامه‌های کلان برای تحقیقات بازار و مطالعه برای امکان صادرات محصولات تولیدی صنفی، نبود شبکه‌های مناسب توزیع و کمبود تسهیلات و معافیت‌های مربوط به صنایع کوچک و متوسط به صنوف تولید.

تاریخچه اصناف در ایران و جهان

در قرون وسطی، وظیفه اصلی مجموعه اصناف در اروپای‌غربی شامل نظارت محلی بر حرفه یا کسب‌وکار از طریق تعیین موازین مرغوبیت و نرخ کالا، حمایت از کسب‌وکار در مقابل رقابت و تعدی و برقرار کردن مقام اجتماعی اعضای صنف می‌شد. در ادوار گوناگون تشکیلاتی نظیر بازرگان و ارباب حرفه‌ها و صنایع در بسیاری از نواحی وجود داشته است. در هر حال، بازرگانان در آغاز قرن یازدهم میلادی اصناف تجارتی را به‌وجود آوردند. هدف آنها حمایت از تجارت در مقابل خطرات حکومت‌های دوره فئودالیته بود. در آسیا نیز اتحادیه‌های صنفی، بازرگانان و ارباب حرفه‌ها و صنایع مانند اتحادیه‌های صنفی اروپا بوده است. به‌طورکل اصناف در اداره شهر و کشور قدرت داشتند. روند نظام صنفی با مرور زمان سخت و پیچیده شد و گرایش به موروثی کردن عضویت بروز یافت؛ در نتیجه تجارت و صنعت جدید به‌دست سرمایه‌داران افتاد که می‌توانستند خود را با مقتضیات عصر جدید وفق دهند. قدرت مجموعه اصناف از آغاز قرن ۱۷ میلادی در انگلستان رو به زوال گذاشت. به‌گزارش اتاق اصناف ایران، جوامع صنفی فرانسه تا قرن ۱۸ میلادی رونق داشتند تا آنکه انقلاب کبیر فرانسه بساط آنها را برچید. سازمان‌های اصناف آلمانی به‌تدریج در قرن ۱۹ میلادی از بین رفت. سازمان اصناف ایتالیا نیز در همین قرن ورافتاد. در هند نیز تشکیلات صنفی پیش از امپراتوری سلسله ماوریا توسعه فراوان یافته بود و پس از استیلای انگلستان نیز مدت‌ها دوام یافت؛ پس می‌توان گفت تشکیلات صنفی هند حدود ۲۰۰۰ سال سابقه دارد. در ژاپن تشکیلات اصناف با مخالفت فرمانروایان قرون‌وسطایی مواجه بودند و در سال ۱۸۶۸ به‌طورکامل از بین رفتند. جوامع اصناف در چین از زمان‌های بسیار قدیم سابقه داشتند و حتی در قرن ۲۰ میلادی گروه‌های بانفوذ و باقدرتی بوده‌اند.

خاستگاه اصناف در ایران

اصناف ایران در چارچوب قانون نظام صنفی و با برنامه‌ریزی و نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت فعالیت می‌کنند. سیاست‌گذاری مربوط به اصناف نیز توسط هیات ۲۰ نفره عالی نظارت سازمان‌های صنفی متشکل از وزرا، هیات‌رئیسه اتاق اصناف ایران، روسای اتاق بازرگانی ایران و اتاق تعاون، برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مسئولان ارگان‌ها و نهادها انجام می‌پذیرد.

در دوران قبل از مدرنیسم، بیشتر فعالیت‌های صنفی در مکانی به نام بازار که سرپوشیده بود، تمرکز داشت و به‌ندرت می‌شد در میان شهرهای قدیمی کشور، شهری را یافت که فاقد بازار سنتی باشد. صنوف گوناگون حاضر در بازار از دیرباز در کنار انجام فعالیت‌های اقتصادی خود نقش بسزایی در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی (به‌ویژه مذهبی) داشته‌اند. همچنین، مشارکت بازاریان در جریان‌های سیاسی و پیوندی که با سایر گروه‌ها برقرار می‌کردند، از واقعیت‌های انکارناپذیر تاریخ سیاسی ـ اجتماعی کشور است.

از نظر محدوده سازمانی مجموعه امور اصناف در سال‌های قبل از انقلاب و تا سال ۱۳۵۰ در شهرداری‌ها متمرکز بود و صدور پروانه کسب هم از سوی شهرداری‌ها انجام می‌شد.

در همین سال، نخستین قانون نظام صنفی تصویب و به‌موجب آن «اتاق اصناف» تاسیس و متولی امور اصناف و صدور مجوز کسب برای واحدهای صنفی شد. بعد از انقلاب و از همان سال آغازین، «اتاق اصناف» منحل و در ابتدا کمیته امور صنفی برای ساماندهی و اداره امور اتحادیه‌ها و سپس در سال ۱۳۶۱ شورای اصناف کشور ایجاد شد. حدود ۲ دهه طول کشید تا قانون اصناف در مجلس تصویب و برای اجرا ابلاغ شود. در واقع، طی سال‌های ۷۷ و ۷۸ پیش‌نویس این قانون با نظر مجامع صنفی کل کشور تدوین شد و در نهایت، در سال ۸۱ طرح قانون نظام صنفی به مجلس رفت و این قانون در سال ۸۲ به تصویب رسید و از سال ۸۳ قابل‌اجرا شد.

بار اصلی اشتغالزایی بر دوش اصناف است

براساس آمار ۴۵ درصد واحدهای صنفی، واحدهای توزیعی و ۳۳ درصد خدماتی و فنی و ۲۲ درصد نیز اصناف تولیدی کوچک و متوسط هستند. چنانچه با اتکا به آمار رسمی جمعیت خانوار را حدود ۴ نفر حساب کنیم، محل ارتزاق حدود ۳۰ درصد جامعه ایران در حوزه اصناف است. بنابراین، نمی‌توان از نقش واحدهای صنفی در ایجاد اشتغال گذشت. اگر میانگین نیروی کار هر واحد صنفی را ۲.۵ نفر در نظر بگیریم، با احتساب واحدهای صنفی بدون جواز حدود ۷ تا ۷.۵ میلیون نفر و با احتساب آمار رسمی حدود ۶ میلیون نفر اشتغالزایی مستقیم در واحدهای صنفی ایجادشده که با احتساب خانواده‌های آنها می‌توان گفت در کشور جمعیتی حدود ۲۵ میلیونی وابسته به اصناف هستند.

اشتغالزایی سریع و ارزان از مهم‌ترین برتری‌های واحدهای صنفی نسبت به بنگاه‌های متوسط و بزرگ است. براساس آمارهای موجود، هر واحد صنفی به‌طورمتوسط به ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان سرمایه نیاز دارد تا در آن واحد شغل ایجاد شود، این در حالی است که برای ایجاد یک شغل در واحدهای صنعتی کوچک و متوسط که پروانه فعالیت آنها از نوع فعالیت صنعتی است، حداقل ۲ برابر این مبلغ سرمایه نیاز است. همچنین، برای راه‌اندازی واحدهای بزرگ صنعتی، به سرمایه‌ای حدود ۶ برابر سرمایه موردنیاز برای یک واحد صنفی نیاز داریم.

باتوجه به سرمایه اندک موردنیاز برای واحدهای صنفی، به‌نظر می‌رسد این نوع از فعالیت‌های اقتصادی گرچه نه به‌صورت پایدار، اما در بازه کوتاه‌مدت و میان‌مدت می‌توانند برای کاستن از نرخ بیکاری در کشور به یاری آیند.

از سوی دیگر، باتوجه به آمار و تناسب واحدهای صنفی ایران و جهان، به‌نظر می‌رسد تعداد واحدهای صنفی ایرانی از میانگین جهانی بیشتر است. طبق استاندارد جهانی به‌ازای ۳۷ تا ۴۲ خانوار یک واحد تجاری وجود دارد، اما در ایران به‌ازای هر ۷ خانوار یک بنگاه صنفی ایجاد شده و باتوجه به این آمار تعداد واحدهای صنفی حاضر در کشور ۷ برابر میانگین جهانی است.

سخن پایانی

آمار دیگری می‌گوید؛ حدود ۳ میلیون واحد صنفی در کشور فعالیت می‌کنند که حدود ۸۰۰ هزار واحد فاقد پروانه هستند. متولیان صنفی، راه مقابله با گسترش بی‌رویه تعداد واحدهای صنفی را اصلاح قانون نظام صنفی و ادغام واحدهای صنفی می‌دانند. همچنین، می‌توان با استقرار واحدهای صنفی در شهرک‌های صنعتی و صنفی تخصصی، فعالیت اصناف را ساماندهی کرد.

همچنین ایران به‌خاطر عضویت در سازمان جهانی کار و براساس ضوابط آن باید حق تشکیل سندیکا، انجمن و اتحادیه کارگری را به‌رسمیت بشناسد. در عین حال، تمکین دولت‌های گوناگون به آزادی انجمن‌ها و دخالت نکردن دولت در محدود کردن اعتصاب‌های مرتبط با شرایط کاری و حقوق اقتصادی از دیگر ضوابط این سازمان جهانی است. همه این موارد در حالی مطرح می‌شود که نسبت فعالیت اصناف در اقتصاد ایران و سهم آن از تولید ناخالص داخلی ۱۷ درصد برآورد می‌شود. این رقم زمانی گویاتر است که بدانیم سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی ایران معادل یک درصد و سهم بخش کشاورزی حدود ۹ درصد است. بنابراین نمی‌توان از نقش اصناف در ساماندهی اقتصاد به‌راحتی گذشت.

یادداشت

اصناف تشکل قوی می‌خواهند



زهرا کریمی ـ اقتصاددان: کارگران و کارفرمایان توان یکسانی برای چانه‌زنی بر سر موضوعات گوناگون ازجمله مزد یا شرایط کاری ندارند. غالبا کارفرمایان با متقاضیان متعددی روبه‌رو هستند و امکان انتخاب از میان این متقاضیان را دارند، اما کارگران عموما ناچار به پذیرش شرایط تعیین‌شده از سوی کارفرما هستند، هرچند این پذیرش احتمالا با رضایت‌خاطر همراه نیست. در چنین شرایطی، کارگران نیز در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کنند. در واقع، انعقاد قراردادی غیرمنصفانه میان کارگر و کارفرما می‌تواند تاثیر منفی بر عملکرد واحدهای اقتصادی داشته باشد.

براساس قانون کار ایران، مذاکرات دسته‌جمعی میان کارگر و کارفرما به رسمیت شناخته شده است. بر همین اساس، انتظار می‌رود تشکل‌های قوی در هر ۲ بخش کارگری و کارفرمایی ایجاد شوند که امکان مذاکره و چانه‌زنی را فراهم کنند. در مذاکرات دسته‌جمعی، طرفین درباره شرایط کار توافق می‌کنند. متاسفانه در کشور ما تشکل‌های قوی کارگری و کارفرمایی وجود ندارد و فقدان این تشکل‌ها به‌شکل مستقیم و غیرمستقیم هزینه‌های گزافی را به اقتصاد تحمیل می‌کند. به‌عنوان‌مثال، بر اثر فقدان قراردادهای دسته‌جمعی و عدم‌رضایت کارگران از شرایط کار، بهره‌وری تولید کاهش می‌یابد. اگر تشکل‌های کارگری و کارفرمایی قوی وجود داشته باشند، از هزینه چنین عدم‌تفاهم‌هایی کاسته می‌شود.

براساس قانون، شوراهای اسلامی کار به‌عنوان تشکل کارگری در کشور ما حق فعالیت دارند. واحدهایی که بیش از ۳۵ نفر عضو دارند و موظف به تشکیل شوراهای اسلامی کار هستند. با این وجود، شوراهای اسلامی کار در کشور ما هر سال ضعیف‌تر شده‌اند. شوراهای اسلامی کار، تشکل کارگری خالصی نیستند. در این شوراها، نمایندگان کارفرما و کارگر حضور دارند.

در فرآیند انتخاب اعضای شورای اسلامی کار نیز نمایندگان وزارت کار دخیل هستند و صلاحیت نمایندگان باید موردتایید قرار گیرد. در حال حاضر در واحدهای بزرگ اقتصادی کشور یا تشکل کارگری شکل نمی‌گیرد یا اگر تشکیل شود، ضرورتا از حمایت جدی کارگران مجموعه برخوردار نیست. وی افزود: ایران عضو سازمان بین‌المللی کار است. نمایندگان ILO نسبت به ضعف تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در ایران انتقادهایی را مطرح می‌کنند.

تشکل کارگری مستقل دارای ویژگی‌هایی هستند. این تشکل‌ها اساسنامه و انتخابات مستقل خودشان را دارند. اما در ایران همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، شورای اسلامی کار، یک نهاد مستقل کارگری نیست و انتخابات اعضای شورای اسلامی کار زیرنظر وزارت کار است و باید صلاحیت نمایندگان کارگران توسط مراجع دولتی تایید شود.

اما تشکل‌های واقعی کارگری بدون مداخله از سوی دولت یا کارفرما با خواست کارگران تشکیل می‌شوند، به‌طورمرتب حق عضویت دریافت می‌کنند، مجمع عمومی دارند، در عرصه ملی مطالبات نیروی کار را مطرح می‌کنند و زمانی که مذاکرات دسته‌جمعی با مشکل مواجه می‌شود، حتی اگر لازم باشد، اعلام اعتصاب می‌کنند.

اما در قانون کار ما، اعتصاب در عمل ممنوع است. در قانون کار تاکید شده که هر عملی که باعث توقف تولید شود، ممنوع است. در حالی که براساس مقررات سازمان بین‌المللی کار، اعتصاب ابزاری پذیرفته‌شده برای بیان مطالبات کارگران است. اعلام اعتصاب قوانین مشخصی دارد. به‌عنوان مثال، از قبل باید خواسته کارگران و زمان اعتصاب مشخص شود.

اما در کشور ما مجاری بیان خواسته‌های جامعه کارگری بسیار محدود است، هرچند این محدودیت‌ها پیامدهای جدی برای اقتصاد به‌دنبال خواهد داشت. تشکل‌های کارگری ضعیف قادر به اظهار و پیگیری خواسته‌های کارگران نیستند. از آنجا که زمینه گفت‌وگوی جمعی وجود ندارد، در موارد گوناگون کارگران ناراضی به خیابان می‌آیند. به‌عنوان‌مثال، در شرایطی که حقوق کارگران عقب می‌افتد یا شرایط ادامه کار در کارخانه روشن نیست، کارگران دست از کار می‌کشند و جاده و خیابان را می‌بندند. باید پذیرفت که فقدان بستری قانونی برای بیان خواسته‌های کارگری، هزینه اعتراضات کارگری را افزایش داده است.